مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی
دوره ۲۴، شماره ۲، تابستان ۹۳، صفحات ۱۱۵ تا ۱۲۰

Original Article

بررسی رابطه بین هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی در دانشجویان پزشکی دانشگاه اهواز

صفیه بهزادی[۱]، هاله میربهرسی[۲]، مرسده یاری[۳]

[۱] استادیار، فیزیولوژیست، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن
[۲] پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، پزشک طرح مرکز دشتستان برازجان
[۳] کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن

چکیده

سابقه و هدف: *هوش هیجانی به عنوان توانایی مدیریت هیجانات و احساسات نقش مهمی در زندگی و موفقیت افراد دارد. مکانیسم‌های دفاعی فرایندهای تنظیم کننده خودکاری هستند که برای کاهش ناهماهنگی شناختی وبه حداقل رساندن تغییرات ناگهانی در واقعیت از طریق تاثیر گذاری بر چگونگی ادراک حوادث تهدید کننده عمل می‌کنند. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و مکانیسم های دفاعی انجام شد.*

روش بررسی: *در این پژوهش توصیفی، ۷۲ دانشجوی پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مقیاس هوش هیجانی و پرسش نامه مکانیسم های دفاعی بود. داده‌ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شدند.*

یافته‌ها: *بین مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته و نوروتیک با هوش هیجانی رابطه مثبت معنی‌دار و با مکانیسم‌های رشد نیافته همبستگی منفی وجود داشت.*

نتیجه‌گیری: *به استناد نتایج تحقیق حاضر می‌توان نتیجه گرفت با افزایش هوش هیجانی استفاده از مکانیسم های دفاعی بالغ و نوروتیک بیشتر می شود. هوش هیجانی به فرد این امکان را می‌دهد که با مدیریت، شناخت، تنظیم و ارزیابی هیجان‌ها در سطح ناهوشیاری مکانیسم‌های دفاعی "من" را تحت تاثیر قرار دهد.*

واژگان کلیدی: *هوش هیجانی، مکانیسم‌های دفاعی.*

مقدمه

هوش هیجانی یک سازه چند بعدی است و در بر گیرنده تعامل بین شناخت وهیجان است که منجر به کنش وری سازشی می‌شود (۱) . مایر، سالوی وکارسو هوش هیجانی را در برگیرنده چهار توانایی به هم پیوسته می دانند: ادراک هیجان در خود ودیگران، استفاده از هیجان ها برای تسهیل تصمیم گیری و نیز درک و مدیریت هیجان (۲). بار- ان هوش هیجانی را مجموعه مرکبی از خود آگاهی هیجانی و نیز مهارت‌ها و ویژگی‌های دیگر می‌داند که بر موفق شدن فرد در مقابله با فشارها و خواسته‌های محیط تاثیر می‌گذارند (۳). تحقیقات انجام شده در مورد هوش هیجانی نشان داده افراد در توانایی ادراک و ابراز هیجان‌ها و نیز فهم و مدیریت اطلاعات هیجانی با یکدیگر متفاوت هستند (۴). بطور کلی دو الگوی عمده نسبت به مفهوم سازی هوش هیجانی وجود دارد. الگوی توانایی، ناظر بر این است که این سازه همانند دیگر سازه‌های توانایی از جمله هوش شناختی است و الگوی رگه ،که این سازه را همانند رگه‌های شخصیتی از جمله برون‌گرایی یا

آدرس نویسنده مسئول: تهران، گروه روانشناسی،دانشکده روانشناسی،دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دکتر صفیه بهزادی (**email**: Behzadi@riau.ac.ir)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۲/۷

وظیفه شناسی در نظر می‌گیرد. در الگوی نخست، هوش هیجانی به سه مقوله تنظیم هیجان‌ها، ارزیابی هیجان‌ها و به کارگیری هیجان‌ها در حل مسایل تقسیم می‌شود. تنظیم هیجانی به توانایی متعادل کردن هیجانات منفی و حذف تأثیرات مخرب آنها بر سازگاری روانشناختی و نیز توانایی حفظ هیجانات مثبت که ارزش لذت گرایانه دارد اشاره دارد. بهره وری هیجانی در واقع فهم و استفاده از هیجانات و اطلاعات هیجانی است. علاوه بر این از هیجانات برای توجه به ابعاد مهم جهان اجتماعی، خلاقیت، دیدگاههای انعطاف پذیر و نگهداری عوامل انگیزشی جهت رسیدن به اهداف استفاده می‌کند. ارزیابی هیجانی نیز به معنای توانایی تشخیص درست هیجانات در خود و دیگران و نیز توانایی تشخیص تفاوت در بیان صادقانه و غیر صادقانه هیجانات است (۵).

با توجه به هوش هیجانی و الگوهای مطرح شده، در چندین پژوهش رابطه آن با سلامت عمومی وسازه های مرتبط بررسی شده است. یافته‌ها نشان می دهند که هوش هیجانی با میزان رضایت از زندگی، گستره شبکه اجتماعی و کیفیت آن رابطه مثبت و با پریشانی روان شناختی رابطه منفی دارد (۶). آن را در مقایسه با سازه سنتی هوشبهر (IQ) پیش بینی کننده بهتری برای موفقیت و سازش اجتماعی معرفی کرده‌اند (۷). همچنین بررسی‌ها نشان داده‌اند که این سازه با سلامت روانی (۸)، شناسایی محتوی هیجانی، توانایی همدلی با دیگران (۹) و سازش اجتماعی و هیجانی (۱۰)، همبستگی مثبت و با درماندگی روانشناختی، نارسایی هیجانی و اختلال‌های روانشناختی (۱۱، ۱۲) همبستگی منفی دارند.

بررسی رابطه بین مولفه‌های هوش هیجانی و فرایندهای شخصیتی مرتبط با کنش وری سازش یافته می‌تواند جایگاه هوش هیجانی را در ساختار شخصیت تعیین کند. مکانیسم‌های دفاعی من فرایندهایی در ساختار شخصیت هستند که بر سازش روانشناختی تاثیر می‌گذارند ومسئولیت محافظت از من را در برابر شکل‌های مختلف اضطراب بر عهده دارند و برحسب نوع کنش وری ممکن است بهنجار یا نابهنجار و کارآمد یا ناکارآمد باشند (۱۳). براساس طبقه بندی سلسله مراتبی در مورد مکانیسم‌های دفاعی، بیست مکانیسم را به سه سبک دفاعی رشد یافته، نوروتیک و رشد نیافته تقسیم کردند (۱۴). مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته، به منزله شیوه‌های مواجهه انطباقی، بهنجار و کارآمد محسوب می‌شوند. مکانیسم‌های دفاعی نوروتیک و رشد نیافته، شیوه‌های مواجهه، غیرانطباقی و ناکارآمد هستند. ساز و کارهای دفاعی بالغ درواقع دفاع‌های انطباقی و بهنجار هستند که شامل ساز و کارهای والایش، فرونشانی، پیش بینی و شوخ طبعی است. ساز و کارهای دفاعی نوروتیک و نابالغ نیزبه عنوان سازو کارهای غیر انطباقی شناخته می‌شوند. مکانیسم‌های دفاعی نوروتیک شامل آرمانی سازی، واکنش وارونه، ابطال ونوع دوستی کاذب است. ساز و کارهای دفاعی نابالغ نیز شامل فرافکنی، پرخاشگری نافعال، برون ریزی، مجزا سازی، نا ارزنده سازی، خیال پردازی اوتیستیک، انکار، جابجایی، دوپارگی، بدنی سازی و دلیل تراشی و افتراق می‌باشند. سازوکارهای دفاعی که در این سلسله مراتب قرار دارند در ۳ سطح طبقه بندی شده‌اند که با سازگاری فزاینده انواع عملکردهای روانشناختی، مطابقت دارند. به نظر می‌رسد که سطح اول سازگاری روانشناختی داشته باشد، بدین معنا که این دسته سازوکارها اغلب توسط افرادی که از سازگاری هیجانی برخوردارند مورد استفاده قرار می‌گیرند و در مقابل سطح دوم و سوم، سازگاری ناموثری را ارائه می‌دهند (۱۵).

در تحقیقی که توسط پلیتری انجام شد، رابطه بین هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی مورد بررسی قرار گرفت (۱۶). نتایج نشان داد که هوش هیجانی با سازوکارهای دفاعی و در نتیجه با سازگار ی روان شناختی، رابطه مثبت معنی‌دار دارد. همچنین افرادی که از سازوکارهای دفاعی مناسب استفاده می‌کنند، هوش هیجانی بالایی داشته و نیز در بین مولفه‌های هوش هیجانی، بهره‌وری هیجانی بیشترین همبستگی را با سازو کارهای دفاعی دارد.

در پژوهش‌های مربوط به شناخت و هیجان این عقیده را که پردازش ادراکی و ساختارهای ذهنی اختصاصی زیر آستانه هوشیاری عمل می‌کند، مورد تأیید قرار گرفته است (۱۷). مطالعات عصب شناختی در این مورد نیز نشان داده‌اند که پردازش عصب شناختی اطلاعات هیجانی در قسمت آمیگدال، یکی از ساخت‌های زیر قشری مغز، صورت می گیرد و نیازی به مشارکت هوشیاری ندارد (۱۸). بنابراین هیجانات می‌توانند در سطوح مختلف هوشیاری تجربه شوند، درحالی که افراد ممکن است از این هیجانات و یا تأثیرات آنها آگاه نباشند. از این یافته‌ها می‌توان این فرض کلی را استنتاج کرد که ممکن است هوش هیجانی در قلمرو ناهوشیاری با مکانیسم‌های دفاعی من که عمدتا ناهوشیار هستند ارتباط داشته باشد.

بنابراین چون مکانیسم‌های دفاعی ادراک را تحت تأثیر قرار می‌دهند و تجربه محتویات عواطف را در هوشیاری تنظیم می-کنند، می‌توان تصور کرد که رابطه مستقیم با مؤلفه‌های ادراک و تنظیم هوش هیجانی داشته باشند. لذا بر اساس یافته‌ها و شواهد موجود در زمینه متغیرهای پژوهش، تحقیق حاضر با

هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی اجرا گردید.

مواد و روشها

در این مطالعه توصیفی، از کل دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹، به صورت تصادفی ساده دانشجویان پزشکی انتخاب شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها، مقیاس هوش هیجانی و پرسش نامه سبک‌های دفاعی در مورد ۷۲ دانشجو که آمادگی خود را اعلام کردند اجرا شد.

مقیاس هوش هیجانی یک آزمون ۳۳ سؤالی است که به وسیله شاته و همکاران (۱۹) بر اساس مدل هوش هیجانی سالوی و می‌یر (۲۰) ساخته شده است. سؤال های آزمون سه مؤلفه سازه هوش هیجانی، شامل تنظیم هیجان ها، بهره‌وری از هیجان‌ها و ارزیابی هیجان‌ها را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره یک (کاملا مخالف) تا نمره پنج (کاملا موافق) می-سنجد. مقیاس هوش هیجانی گرچه از سه مؤلفه پیش گفته اشباع شده، تنها یک نمره کلی برای هوش هیجانی به دست می‌آید که دامنه آن بین ۳۶ تا ۱۶۵ متغیر است. همسانی درونی سؤال‌های آزمون بر حسب ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ (۲۲، ۲۱،۱۹) گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس در یک نمونه ۲۸ نفری از دانشجویان به فاصله دو هفته ۰/۷۸ محاسبه شد (۱۹). اعتبار مقیاس هوش هیجانی نیز از طریق سنجش همبستگی آن با سازه‌های مرتبط، کافی گزارش شده است (۲۲ ،۲۱،۱۹).

در فرم فارسی این مقیاس (۲۳)، آلفای کرونباخ پرسش‌های مقیاس در مورد یک نمونه ۱۳۵ نفری از دانشجویان ۰/۸۸ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب آزمون است. ضریب همبستگی بین نمره‌های ۴۲ نفر از نمونه مذکور در دو نوبت با فاصله دو هفته ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس می‌باشد.

مکانیسم‌های دفاعی آزمودنی‌ها در این پژوهش نیز با استفاده از فرم فارسی پرسش‌نامه سبک های دفاعی (۲۴) تعیین شد. این پرسش نامه یک ابزار ۴۰ سؤالی است که در مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت (از کاملا موافق تا کاملا مخالف) بیست مکانیسم دفاعی را بر حسب سه سبک دفاعی رشد یافته، رشد نیافته و نوروتیک می‌سنجد. سبک دفاعی رشد یافته شامل مکانیسم‌های دفاعی والایش، شوخ طبعی، پیش بینی و فرونشانی می‌باشد. مکانیسم‌های مربوط به سبک دفاعی نوروتیک عبارت از ابطال، نوع دوستی کاذب، آرمانی سازی و واکنش متضاد است. سبک دفاعی رشد نیافته نیز شامل دوازده مکانیسم دفاعی می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش-های هر یک از سبک‌های دفاعی رضایت بخش توصیف شده‌اند (۲۴). ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از سبک‌های رشد یافته، رشد نیافته و نوروتیک فرم فارسی مقیاس در یک نمونه دانشجویی برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ بود که نشانه همسانی درونی رضایت بخش برای فرم ایرانی پرسش نامه سبک‌های دفاعی محسوب می‌شود (۲۵). پایایی بازآزمایی پرسش نامه سبک‌های دفاعی برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله ۴ هفته برای کل آزمودنی‌ها r =۰/۸۲ محاسبه شد (۲۵).

یافته‌ها

دانشجویان در سه مقطع علوم پایه ،کارآموزی و کارورزی با میانگین سنی ۲۳سال و دامنه ۱۸ تا ۲۵ سال بررسی شدند. اکثر دانشجویان مونث (۵۴/۳ درصد) بودند.

در تحلیل داده‌ها، شاخص‌های مرکزی آزمودنی‌ها در مورد نمره‌های هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی (مکانیسم دفاعی رشد یافته، نوروتیک و رشد نیافته) در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول۱. میانگین و انحراف معیار نمره های هوش هیجانی و مکانیسم های دفاعی دانشجویان

مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	نمره حداقل	نمره حداکثر
هوش هیجانی	۱۱۵/۸۳	۱۳/۳۶	۷۴	۱۴۰
مکانیسم دفاعی رشد یافته	۴۲/۸	۸/۳۳	۲۱	۶۰
مکانیسم دفاعی رشد نیافته	۱۱۵/۷۴	۲۱/۴۵	۵۵	۱۵۵
مکانیسم دفاعی نوروتیک	۴۵/۱۴	۸/۹۵	۲۷	۶۴

همانگونه که ملاحظه می‌شود میانگین نمرات مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته ۴۲/۸ است که با توجه به ۴ خرده مکانیسم دفاعی در دسته رشد یافته میانگین نهایی ۱۰/۷ می باشد. میانگین مکانیسم دفاعی رشد نیافته ۱۱۵/۸۳ که با توجه به ۱۲ خرده مکانیسم دفاعی در این دسته میانگین نهایی ۹/۶۴ است. میانگین مکانیسم دفاعی نوروتیک ۴۵/۱۴ است که با

توجه به ۴ خرده مکانیسم دفاعی در این دسته میانگین نهایی ۱۱/۲۸۵ می‌باشد، یعنی میانگین استفاده از مکانیسم دفاعی نوروتیک بیشتر است. همچنین با توجه به میانگین به دست آمده نمره کل هوش هیجانی در محدوده متوسط قرار دارد. برای بررسی و تحلیل داده‌ها، این نمرات از طریق ضریب همبستگی مورد آزمون قرار گرفتند (جدول ۲).

جدول ۲. ضریب همبستگی بین نمرات هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی

متغیرهای همبسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	تعداد
مکانیسم دفاعی رشد یافته و هوش هیجانی	۰/۳۸	۰/۰۱	۷۲
مکانیسم دفاعی رشد نیافته و هوش هیجانی	-۰/۲۳	۰/۰۵۸	۷۲
مکانیسم دفاعی نوروتیک و هوش هیجانی	۰/۲۸	۰/۰۲	۷۲

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و مکانیسم دفاعی رشد یافته ۰/۳۸ می‌باشد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. در نتیجه می توان گفت با افزایش هوش هیجانی استفاده از مکانیسم های دفاعی رشد یافته افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و مکانیسم دفاعی رشد نیافته ۰/۲۳- است که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵۸ معنی‌دار نبوده و با افزایش هوش هیجانی استفاده از مکانیسم دفاعی رشد نیافته کاهش می‌یابد. همچنین بر اساس نتایج ضریب همبستگی بین مکانیسم دفاعی نوروتیک و هوش هیجانی ۰/۲۸ است که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۲ معنی‌دار بوده و با افزایش هوش هیجانی استفاده از مکانیسم دفاعی نوروتیک بیشتر می‌شود.

بحث

هیجان‌ها قسمت مهمی از شبکه ارتباطات را شامل می‌شوند. نقص در شناخت، ابراز، تنظیم و مدیریت هیجان‌ها موجب نقص در ارتباط فرد با دیگران می‌شود. دفاع‌ها نیز به عنوان قسمتی از یک مجموعه الگوهای ارتباطی و شناختی نگریسته می‌شوند که در بافت ارتباطات نزدیک با اشخاص مهم گسترش می‌یابند. بنابراین با کاهش در هوش هیجانی، در این شبکه ارتباطی خلل ایجاد می‌شود و درنتیجه سیستم دفاعی فرد به خوبی گسترش نمی‌یابد و فرد بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته استفاده می‌کند. نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که هوش هیجانی با فرآیندهای سازگاری روان شناختی ارتباط دارد.

هیجانات به دلیل ماهیت متغیرشان می‌توانند در سطوح مختلف هوشیار و ناهوشیار تجربه گردند. به علاوه آن دسته از هیجانات که منبع اضطراب هستند، توسط ساز و کارهای دفاعی به ناهوشیار رانده می‌شوند. از طرفی خود ساز و کارهای دفاعی نیز در سلسله مراتب سه گانه فرد (بالغ، نابالغ، نوروتیک) به دو دسته انطباقی (بالغ) و غیر انطباقی (نابالغ و نوروتیک) تقسیم شده‌اند. تحقیقات نشان داده است که آن دسته از افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند در برابر اضطراب از ساز و کارهای دفاعی انطباقی (بالغ) استفاده می‌کنند و می‌توانند هیجان‌ها و احساسات خود را بدون ایجاد ناراحتی برای خود و دیگران به نحو مناسب‌تر و مؤثرتر ابراز کنند (۲۶). در مقابل آن دسته از افرادی که از ساز و کارهای دفاعی نابالغ و نوروتیک استفاده می‌کنند، هوش هیجانی پایینی دارند (۱۶،۲۷). به عبارتی با توجه به تعریف هوش هیجانی به عنوان توانایی درک و مدیریت هیجانات، آن دسته از افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، قادر خواهند بود هیجانات خود را با سازگاری روان شناختی بالاتر اداره کرده، از ساز و کارهایی که انطباقی‌تر هستند استفاده کنند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین هوش هیجانی و ساز و کارهای دفاعی بود.

نتایج جدول ۱ نشان می دهد که میانگین استفاده از سبک‌های دفاعی در بین دانشجویان پزشکی، سبک دفاعی نوروتیک در رتبه اول و بعد از آن به ترتیب سبک دفاعی رشد یافته و سپس رشد نیافته می‌باشد. به عبارتی دانشجویان پزشکی از سبک‌های دفاعی آرمانی سازی، واکنش وارونه، ابطال و نوع دوستی کاذب، بیش از سایر سبک های دفاعی استفاده می‌کنند. همچنین یافته‌های جدول ۲ بیانگر این است که بین سبک‌های دفاعی بالغ و نوروتیک با هوش هیجانی ارتباط مثبت معنی‌دار وجود دارد. از بین سبک‌های دفاعی، تنها سبک دفاعی نابالغ بود که با هوش هیجانی رابطه معنی‌داری نداشت. یافته‌های این پژوهش با نمونه‌های مشابه آن (۱۵، ۱۶، ۲۶، ۲۸) از این نظر که بین نمره هوش هیجانی و مکانیسم دفاعی رشد یافته یا بالغ رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد و با سبک دفاعی نابالغ رابطه معنی‌دار وجود ندارد، انطباق دارد. این بدان معناست که با افزایش هوش هیجانی استفاده از مکانیسم دفاعی رشد یافته افزایش می‌یابد. در صورتی که

استفاده از مکانیسم دفاعی رشد نیافته کاهش می‌یابد. همچنین یافته پژوهش حاضر از این نظر که سبک دفاعی نوروتیک را پیش بینی کننده هوش هیجانی می‌داند با نمونه-های مشابه تفاوت دارد (۸، ۱۶). به نظر می‌رسد ماهیت سبک دفاعی که در دسته نوروتیک قرار گرفته دلیل این امر است. نتایج تحلیل عاملی برخی از تحقیقات صورت گرفته نشان داد که این ساز و کارها حتی می‌تواند در دسته ساز و کارهای بالغ قرار گیرند و با آنها همپوشانی داشته باشند. لذا با توجه به نتایج حاصل از پژوهش فوق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به میانگین متوسط هوش هیجانی در این گروه و با توجه به اینکه هوش هیجانی بر خلاف هوش شناختی مهارتی انعطاف پذیر و قابل تغییر است که به راحتی آموخته می شود اجرای پژوهشی مشابه در زمینه علل پایین بودن هوش هیجانی در گروه پزشکی و راه‌های ارتقاء آن توصیه می‌گردد.

۲- با توجه به پایین بودن نمرات دانشجویان در محدوده هوش هیجانی، آشنایی فراگیران با مولفه‌های هوش هیجانی و نقش آن در موفقیت آتی آنان باید مورد توجه قرار گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود که دست اندرکاران در این زمینه با برگزاری کلاس‌ها، کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی در قالب آموزش مهارت‌های زندگی زمینه ساز شکوفایی و رشد این قابلیت باشند.

۳- محدودیت جامعه آماری و نیز نوع پژوهش که محدودیت-هایی را از نظر تعمیم یافته‌ها، متغیرها و اسنادهای علت شاختی مطرح می‌کند، می‌تواند در پژوهش‌های آتی در نظر گرفته شود.

تقدیر و تشکر

در پایان از کلیه دانشجویانی که در این پژوهش شرکت کردند، کمال تشکر و سپاس را داریم.

REFERENCES

1. Salovey P, Grewal D. The science of emotional intelligence. Current Directions in Psychological Science 2005;14:281-85.
2. Mayer J, Salovey P, Caruso D. Emotional intelligence: New ability of eclectic traits. Am Psychol 2008;63: 503-17.
3. Bar-On R. Emotional and social intelligence: insights from the emotional quotient inventory. In: Bar-On R, Parker JDA, Eds. The handbook of emotional intelligence. San Francisco: Jossy-Bass; 2000. P.363-88.
4. Rahnema A, Abdolmaleki J. Investigating the relationship between emotional inteligance and creativity with educational development in students of Shahed University. New Thoughts on Educations 2009;5:55-78.
5. Petrides KV, Frederickson N, Furnham A. The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. Personality and Individual Differences 2004;36:277-93.
6. Austin EJ, Saklofske DH, Egan V. Personality, well-being and health correlates of trait emotional intelligence. Personality and Individual Differences 2005;38:547-58.
7. Goleman D, Ed. Emotional intelligence. New York: Bantam Books; 1995.
8. Besharat M, Rezazadeh M, Firozi M, Habibi M. Effect of emotional intelligence on mental health and academic success in the transition from high school to college. Contemporary Psychology 2006;26:13-41. [In Persian]
9. Drwal J. The relationship among attachment styles, empathic accuracy and relationship satisfaction [unpublished doctoral dissertation]. Storrs, Mansfield, CT, USA: University of Connecticut; 2003.
10. Salovey P, Mayer JD, Caruso D. The positive psychology of emotional intelligence. In: Snyder CR, Lopez SJ, Eds. Hand book of positive psychology. Oxford: Oxford psychology press; 2002. P.159-71.
11. Slaski M, Cartwright S. Health, performance and emotional intelligence: an exploratory study of retail managers. Stress and Health 2002;18: 63-68.
12. Ghorbani N, Bing MN, Watson PJ, Davison HK, Mack DA. Self reported emotional intelligence: construct similarity and functional dissimilarity of higher – order processing in Iran and the United States. Int J Psychol 2002; 37: 297-308.
13. Freud S. The ego and id. In: Strachey J, Ed. The complete Psychological works (vol .19). New York: Norton; 1976.
14. Vaillant GE. Adaptive mental mechanisms: their role in a positive psychology. Am Psychol 2000; 55: 89-98.
15. Parker JD, Taylor RN, Eastabrook JM, Schell SL, Wood LM. Problem gambling in adolescence: relationship with internet misuse, gaming abuse and emotional intelligence. Personality and individual difference. 2008;45:174-80.
16. Pellitteri J. The relationship between emotional intelligence and ego defense mechanisms. J Psychol 2002;136:182-94.

17. Kihlstrom JF. The cognitive unconscious. Science 1987;237:1445-52.

18. Ledoux JE. Emotional memory systems in the brain. Behavioral Brain Research.1993;58:69-79.

19. Mayer JD, Salovey P. What is emotional intelligence? In: Salovey P, Mayer JD, Eds. Emotional development and emotional intelligence. (Journal of personality assesment); 1997. P.3-31.

20. Salovey P, Mayer JD. Emotional intelligence. Imagination, Cognition and Personality 1990; 9:185-211.

21. Austin EJ, Saklofske H, Huang SHS, Meckenney D. Measurment of trait emotional intelligence: testing and cross validating a modified version of schutte etal.'s (1998) measure. Personality and Individual Differences 2004;36:555-62.

22. Saklofske DH, Austin EJ, Minski P. Factor structure and validity of a trait emotional intelligence measure. Personality and Individual Differences 2003;34:707-21.

23. Besharat M. The validation of emotional intelligence scale (EIS). Journal of Behavior Health 2006,6:11-16. [In Persian]

24. Andrews G, Singh M, Bond M. The defense style Questionnaire. J Nerv Ment Dis 1993;181:246-56.

25. Besharat M, Sharifi M, Iravani M. The relationship between attachment style and defense mechanisms. Contemporary Psychology 2003,19:277-89. [In Persian]

26. Domino G, Short J, Evans A, Romano P. Creativity and ego defense mechanism: some exploratory empirical evidence. Creativity Research Journal 2002;14:17-25.

27. Parker JDA, Taylor GJ, Bagby RM. Alexithymia:relationship with ego defense and coping styles. Comprehens Psychiatry 1998;39:91-98.

28. Ghaedi GH, Sabeti A, Rostami R, Shams J. The relationship between emotional intelligence and defense mechanisms. Daneshvar Medical Science Journal 2008;74:41-50. [In Persian]